

عمر بن سعد با لشکری بزرگ از اهل کوفه وارد کربلا شد.

سخن امام حسین (ع) هنگام ورود به کربلا:

«الناس قبیلة الدنیا والدنیا لعن علی السنتهم یحوظونه ما...؛ مردم، بندگان دنیا هستند و دین آنها جز سخن زبانشان نیست. تا آنگاه که زندگیشان بچرخد، دنبال دین می روند. و هرگاه بنای امتحان و آزمایش پیش آید، دینداری بسیار اندک می شود.»



شمر خود را به خیام امام حسین (ع) رسانده، ضمن صدا کردن حضرت عباس و دیگر فرزندان ام البنین، می گوید: «برای شما از عبدالله امان نامه گرفتم» آنها متفقا گفتند: «خدا تو را و امان نامه تو را لعنت کند، ما امان داشته باشیم و پسر دختر پیامبر امان نداشته باشد؟» امام حسین (ع) توسط حضرت عباس از دشمن یک شب را برای نماز، راز و نیاز با خدا و تلاوت قرآن مهلت می گیرد.

سخن امام حسین (ع) خطاب به دشمن: وای بر شما! چه زیانی می برید اگر صدای مرا بشنوید؟! من شما را به یک راه راست می خوانم، اما شما از همه فرامین من سر باز می زنید، چرا که شکم های شما از مال حرام پر شده و بر دل های شما مهر شقاوت زده شده است



امام حسین (ع) با یارانش نماز صبح را به جماعت خواند و سپس با آنها چنین سخن گفت: خدا به شهادت من و شما فرمان داده است. بر شما باد که صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید. حضرت «زهیر بن قین» را فرمانده راست سپاه حبیب بن مظاهر را فرمانده چپ سپاه گمارد پرچم را به دست برادرش عباس (ع) سپرد. گرچه سپاه دشمن به خیمه ها نزدیک می شد، ولی حضرت تیری نینداخت چون می فرمود: دوست ندارم که آغازگر جنگ با این گروه باشم.» عمر بن سعد تیر را بر کمان نهاده و به سوی یاران امام انداخت و گفت: گواه باشید که اول کسی بودم که به سوی لشکر حسین تیر انداختم!

www.mesbahalmonir.ir

روز شمار حضور امام حسین (ع) در کربلا



مصباح المنیر ولایت
مؤسسه فرهنگی هنری

۰۲

سوم محرم

جمعه

دوم محرم



۰۳

پنجم محرم

یکشنبه

۰۴

محررم چهارم



عبدالله بن زیاد نامه ای بدین مضمون برای حضرت نوشت: خبر ورود تو به کربلا رسید. من از جانب یزید بن معاویه مأمورم سر بر بالین نهم تا تو را بکشم و یا به حکم من و حکم یزید بن معاویه باز آیی! والسلام.

امام حسین (ع) چون نامه این زیاد را خواند، فرمود: رستگار نشوند آن گروهی که خشنودی مردم را با غضب پروردگار خریدند. (خشنودی مردم را بر غضب خدا مقدم داشتند)

عبدالله بن زیاد در مسجد مردم را چنین خطاب کرد: «ای مردم! خاندان ابوسفیان را آزمودید و آنها را چنان که می خواستید یافتید!! و یزید را می شناسید که دارای رفتار و روشی نیکوست که به زیر دستان احسان می کند و بخشش های او بجاست! اکنون یزید دستور داده تا بین شما پولی را تقسیم نمایم و شما را به جنگ با دشمنش حسین بفرستم.»

امام (ع) در پاسخ «قیس بن اشعث» که سفارش به بیعت با یزید می کرد، فرمود: نه، به خدا سوگند، دست ذلت در دست آنان نمی گذارم، مانند بردگان از صحنه جنگ با آنان فرار نمی کنم.

عبدالله عده ای را مأموریت داد تا در مسیر به سوی کربلا بایستند و از حرکت کسانی که به قصد یاری امام حسین (ع) از کوفه خارج می شوند، جلوگیری کنند. در این روز نیروهای پراکنده در سطح شهر کوفه کم کم جمع شده و به لشکر عمر بن سعد می پیوندند.

از سخنان امام حسین (ع) با لشکر دشمن: هیبت ما به ذلت تن نخواهیم داد. خدا و رسول او و مؤمنان هرگز برای ما ذلت را نپسندیدند. دامن های پاکي که ما را پروریده، و سرهای پر شسور و مردان غیرتمند هرگز طاعت فرومایگان را بر کشته شدن مردان ما ترجیح ندهند.

هفتم محرم

۰۶



نامه امام حسین (ع) از کربلا به برادرش محمد بن حنفیه و بنی هاشم: ... مثل این که دنیا اصلا وجود نداشته (اینگونه دنیا بی ارزش و نابود شدنی است) و آخرت همیشگی و دائم بوده و هست.

عمر بن سعد نامه ای بدین مضمون از عبدالله دریافت کرد که: با سپاهیان خود را بین امام حسین (ع) و اصحابش و آب فرات فاصله بینداز به طوری که حتی قطره ای آب به امام (ع) نرسد، همانگونه که از دادن آب به عثمان بن عفان خودداری شد!

حضرت فرمود: «خدا یا! او را از تشنگی هلاک کن و هرگز او را مشمول رحمتت قرار مده.» حمید بن مسلم می گوید به چشم خود دیدم که نفرین امام حسین (ع) تحقق یافت.

هفتم محرم

۰۷



محررم هشتم



هر لحظه تب عطش در خیمه ها افزون می شد، امام حسین (ع) برادرش عباس را به همراه عده ای، شبانه حرکت داد. آنها با یک برنامه حساب شده، صفوف دشمن را شکسته و مشک ها را پر از آب کردند و به خیمه ها برگشتند.

ملاقات امام حسین (ع) با عمر بن سعد: حضرت فرمود: «ای پسر سعد! آیا با من مقاتله می کنی و از خدا هراسی نداری؟» ابن سعد گفت: «اگر از این گروه جدا شوم خانه ام را خراب و اموال را از من می گیرند و من بر حال افراد خانواده ام از خشم ابن زیاد بیمناکم.» حضرت فرمود: «تو را چه می شود؟ خدا جان تو را به زودی در بستر بگیرد و تو را در روز قیامت نیامرزد ... گمان می کنی که به حکومت ری و گرگان خواهی رسید؟ به خدا چنین نیست و به آرزویت نخواهی رسید.»

۱۰

نهم محرم

پنج شنبه

دهم محرم

جمعه